دوفصلنامه علمی جستارهای ادب عربی
سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۵
EISSN: 2717-2368 ISSN: 2676-7716
مقالهٔ پژوهشی

کاربست نظریه نیومارک در انتقال واحد فرهنگ در ترجمهٔ عربی کتاب «سلام بر ابراهیم»

طاهره چال دره[۱]
گوهر رمضان پور[۲]

چکیده

ترجمه بسـان پلی میان زبان و فرهنگ ایفای نقش می‌کند. واضح اسـت که در ترجمه علاوه بر دو زبان، دو فرهنگ با هم ارتباط پیدا می‌کنند و مترجم تلاش می‌کند فرهنگ زبان مبدأ را نیز به فرهنگ زبان مقصد انتقال دهد. مقولاتی که انعکاس‌دهندهٔ فرهنگ یک جامعه هستند معمولاً برای جوامعی که تفاوت فرهنگی دارند، غیرقابل درک بوده و گاه سـوءتفاهم ایجاد می‌کند ومترجم با چالش مواجه می‌شود. ترجمه متون ادبی به ویژه وقتی که پای ادبیات دفاع مقدس در میان باشد، اهمیت بیشتری دارد. زیرا بازتاب ارزش ها و مفاهیم انسانی و متعالی فرهنگ زبان مبدأ است. یکی از معروف‌ترین نظریه‌پردازان دوره معاصر در حوزه مطالعات ترجمه، پیتر نیومارک اسـت. وی مقوله‌های فرهنگی را به پنج دسـته تقسیم می‌نماید و برای ترجمه آنها هفده روش را معرفی می‌کند. پژوهش حاضر با تکیه بر چهارچوب نظری نیومـارک، کیفیت انتقال واحد فرهنگ، عملکرد مترجم را در ترجمه عربی رمان «سلام بـر ابراهیم» بررسی کرده و میزان تطبیـق ترجمه را با مؤلفه‌های این نظریه مورد واکاوی قرار داده اسـت. مهمترین یافته‌های پژوهش حاضر که با روش توصیفی- تحلیلی و با اسـتفاده از ابزار کتابخانه‌ای نوشته شده، نشان می‌دهد که عنصر فرهنگی «سـازمان‌ها، آداب و رسوم، فعالیت‌ها، جریانات سیاسی و مفاهیم» پربسـامدترین و «بوم‌شناسی»، کم-بسـامدترین است. از هفده روش معرفی شـده توسـط نیومارک به منظور ترجمه مقوله‌های عناصر فرهنگی، در ترجمـه کتاب «سلام بر ابراهیم»، سیزده روش توسط مترجم استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: نقد ترجمه، عناصر فرهنگی، سلام بر ابراهیم، نیومارک، ادبیات دفاع مقدس.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۸/۶ doi 10.22034/alr.2026.3544.1145
۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار. (نویسنده مسئول) t.chaldareh@iau.ac.ir
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار. gwhrrmdanpwr@gmail.com
شیوه استناد به این مقاله: چال دره، طاهره؛ رمضان‌پور، گوهر، (بهار و تابستان ۱۴۰۵)، «کاربست نظریه نیومارک در انتقال واحد فرهنگ در ترجمه عربی کتاب سلام بر ابراهیم»، **جستارهای ادب عربی**، ش۷، ص۱۵۷تا۱۸۲.

❁ مقدمه

برخی بر این باورند که زبان تنها از کلمات و آواها تشـکیل می‌شـود؛ در حالی که زبان، فرهنگ یک ملت را در طول تاریخ بشریت حمل می‌کند. ترجمه ابزاری اسـت که برای انتقال اندیشه، تفکر و ایده بین ملت‌ها به کار می‌رود. ترجمه مصداق بارزی از همگرایی زبانی اسـت که فرصت آشنایی با فرهنگ‌های مختلف و درپیِ آن، انتقال فرهنگ را به زبانی دیگر مهیا می‌کند.

«ترجمه فرایندی اسـت که برروی مؤلفه‌های زبانی کار می‌کند و این عناصر، مفاهیم، ارزش‌ها و سـنت‌های مشـترک بین گروهی از افراد را منعکس می‌کند؛ یعنی فرهنگ آن‌ها را منعکس می‌کند» (بوشریط، ۲۰۲۲م، ص۴۰). ادبیات دفاع مقدس، حس نوع‌دوستی و جنگ‌ستیزی، صلح‌دوستی و حق‌طلبی را در انسان‌ها زنده می‌کند. ترجمهٔ ادبیات دفاع مقدس به‌منزلهٔ یک سلاح مبارزه و در نگاه وسیع‌تر، رسـانندهٔ صدای مظلومیت به گوش جهانیان و پرورش‌دهندهٔ آرمان‌های متعالی و انسانی است. خاطرات دفاع مقدس تاریخ رشادت، حماسـه و روح ملت ایران اسلامی است که ترجمهٔ آن به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری فرهنگی محسوب می‌شـود. انقلاب اسلامی ایران و دفاع مقدس یک تفکر است و لازمهٔ انتقال این تفکر، گفت‌وگوی میان‌فرهنگی اسـت و ابزار گفت‌وگوی میان‌فرهنگی ترجمهٔ آثار فرهنگی اسـت. از برجسته‌ترین نظریه‌های مطرح‌شـده دربارهٔ نحوهٔ ترجمه واحد فرهنگ بین دو زبان، نظریـهٔ پیتر نیومارک اسـت. در این جسـتار، مقوله‌های فرهنگی کتـاب «سلام بر ابراهیم» گزینش شـده اسـت که یکی از پرفروش‌ترین و پرشمـارگان‌ترین کتاب‌های ادبیات دفاع مقدس به شمار می‌رود. این مقاله براساسِ نظریهٔ ترجمهٔ فرهنگی نیومارک، ترجمهٔ عربی آن اثر را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و تلاش می‌کند تا به پرسش‌های پیش‌رو پاسخ دهد:

- برای ترجمهٔ عناصر فرهنگی در ترجمهٔ کتاب «سلام بر ابراهیم»، براساسِ نظریهٔ نیومارک، از چه راهبردهای استفاده شده است؟
- کدام‌یک از مقوله‌های فرهنگی در ترجمهٔ کتاب «سلام بر ابراهیم» بیشترین کاربرد را دارد؟
- مترجم تا چه انـدازه در انتقال صحیح مفاهـیم عناصر فرهنگی زبان مبـدأ در ترجمهٔ کتاب «سلام بر ابراهیم» موفق عمل کرده است؟

پیشینهٔ پژوهش

در زمینهٔ کاربست الگوی نیومارک بر متون داستانی دیگر، پژوهش‌های ارزشمندی انجام شده که

به آن اشاره می‌شود:

فاطمه کیا دربندسری و حامد صدقی (۱۳۹۶) در م جلهٔ ادب عربی در مقاله‌ای با عنوان «چگونگی ترجمه‌پذیری عنصر فرهنگی نهادها، آداب و رسوم، جریانات و مفاهیم در ترجمه‌های عربی به فارسی با تکیه بر چهارچوب نظری نیومارک»، به این نتیجه رسیده‌اند که عنصر فرهنگی نهادها، آداب ورسوم، جریانات و مفاهیم علی‌رغم اینکه با اصطلاحات و تعابیر سیاسی، مذهبی، تاریخی و هنری بسیاری مواجه است، این مترجمان توانسته‌اند به خوبی با استفاده از روش «معادل فرهنگی» از عهدهٔ ترجمهٔ آن‌ها برآیند؛ با این حال، استفادهٔ کمتر آنان از روش‌های مهمی چون «تلفیق»، یادداشت‌ها، اضافات و توضیحات، باعث ضعف و ابهام در ترجمهٔ آنان شده است. در پژوهش حاضر، از روش کار این مقاله در بخش نظریهٔ نیومارک بهره برده شده است.

مریم عرب (۱۳۹۸) در پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد در دانشگاه سمنان با عنوان «تحلیل عناصر فرهنگی نیومارک در ترجمهٔ رمان «قلب اللیل» اثر نجیب محفوظ با تکیه بر مقوله‌های پنج‌گانه نیومارک» به این نتیجه رسیده است که مترجم (کاظم آل یاسین) به‌دلیل تکنیک‌های خود و در اکثر موارد به‌دلیل محدودیت‌های ترجمه و خاصیت متن، مجبور شده است تا از فرایند کارکردی، بیشترین استفاده را ببرد و از دو فرایند ترجمهٔ موقت و گرته‌برداری، کمترین آمار را به ترجمهٔ خود اختصاص دهد. تحلیل عناصر فرهنگی نیومارک با مقاله پیش‌رو ارتباط دارد.

محمد رحیمی خویگانی (۱۳۹۶) در دوفصلنامهٔ پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی در مقاله‌ای با عنوان «ترجمهٔ عربی مقوله‌های فرهنگی داستان «فارسی شکر است» از محمدعلی جمال‌زاده براساسِ نظریهٔ نیومارک» به نتیجه رسیده است که از روش «معادل فرهنگی» در این ترجمه بیشتر استفاده شده و این ترجمه مخاطب‌محور است. این پژوهش نمونه‌ها و مثال‌ها را در پنج دسته کاربست براساس الگوی نیومارک تحلیل و بررسی کرده است. پانزده فرایند و راهکارهای ترجمه‌ای نیومارک را معرفی کرده؛ اما در ذیل آن‌ها نمونه و مثال ذکر نشده است، بلکه در بخش پنج دسته کاربست به تحلیل پرداخته شده است.

محمدمهدی صدراللهی (۱۳۹۹) در پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد در دانشگاه سمنان با عنوان «بررسی ترجمهٔ مقوله‌ها و عناصر فرهنگی کتاب «پایی که جا ماند» با تکیه بر مقوله‌های پنج‌گانهٔ نیومارک به این نتیجه دست یافته است که مترجم بیشترین استفاده را به ترتیب از روش‌های یادداشت‌ها، تلفیق، معادل فرهنگی، گرته‌برداری، جبران و معادل کارکردی داشته است.

معادل‌یابی‌های اشتباه در حوزهٔ اصطلاحات تخصصی جنگ و جبهه از نقاط ضعف ترجمه به شمار می‌آید. تحلیل عناصر فرهنگی نیومارک با مقالهٔ حاضر نیز ارتباط دارد.

کبری روشنفکر، هادی نظری‌منظم و احمد حیدری (۱۳۹۲) در دوفصلنامهٔ پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های ترجمه‌پذیری عناصر فرهنگی در رمان «اللص الکلاب» نجیب محفوظ؛ مقایسهٔ دو ترجمه با تکیه بر چهارچوب نظری نیومارک توسط دو مترجم؛ بهمن رازانی و محبوبه بادرستانی»، نتیجه گرفته‌اند که با وجود تلاش‌های دو مترجم، نوعی پیچیدگی و کاستی در ترجمه عناصر فرهنگی دیده می‌شود. این پژوهش دو ترجمهٔ فارسی رمان را با هم مقایسه کرده است و هدف نویسنده این بوده که کدام نویسنده مطابق نظریهٔ نیومارک در انتقال عناصر فرهنگی موفق‌تر عمل کرده است. آن‌ها به بیش از پانزده فرایند نیومارک پرداخته‌اند؛ اما مثال‌ها را ذیل پنج دسته بررسی و تحلیل کرده‌اند. ناگفته نماند که علی‌رغم ارزش و غنای علمی پژوهش، تعداد مثال‌های مقاله کم و اندک است. از روش کار این مقاله در بخش نظریهٔ نیورمارک در مقالهٔ حاضر استفاده شده است.

اکرم مدنی و جواد اصغری (۱۴۰۰) در فصلنامهٔ پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، در مقاله‌ای با عنوان «کاربست نظریهٔ نیومارک در انتقال واحد فرهنگ در ترجمهٔ رمان عربی» کیفیت انتقال واحد فرهنگ و عملکرد مترجمان را در ترجمهٔ رمان‌های میرامار، زقاق المدق و ثرثرة فوق النیل از نجیب محفوظ، موسم الهجرة الی الشمال و عرس الزین از الطیب صالح و دروز بلغراد از ربیع جابر، مورد واکاوی قرار داده‌اند. اینان میزان تطابق ترجمه را با مؤلفه‌های این نظریه سنجیده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که در ترجمهٔ این رمان‌ها شیوه‌های انتقال، بومی‌سازی و معادل فرهنگی بیشترین کاربرد را در انتقال واحد فرهنگ داشته است و مترجمان بیشتر فرهنگ مقصد را مدنظر داشته‌اند. تحلیل عناصر فرهنگی نیومارک با مقالهٔ پیش‌رو ارتباط دارد.

از پیشینه‌های ذکرشده در بخش شیوه و تحلیل عناصر فرهنگی و روش‌های نیومارک بهره برده شد، اما تاکنون پژوهش مستقلی در زمینهٔ کیفیت انتقال واحد فرهنگ در ترجمهٔ عربی رمان «سلام بر ابراهیم» براساسِ نظریهٔ نیومارک انجام نشده است. این پژوهش به‌منظور ارزیابی ترجمه و بالا بردن سطح کیفی ترجمه انجام می‌شود. شناساندن مهم‌ترین معضلات در ترجمهٔ عناصر فرهنگی در متون دفاع مقدس و ارزیابی عملکرد مترجم و میزان موفقیت او در برخورد با موارد چالش‌برانگیز در ترجمهٔ عناصر فرهنگی دفاع مقدس از دیگر اهداف این پژوهش است.

۱. عناصر فرهنگی

عنصری را می‌توان عنصر فرهنگی نامید که در طول زمان در یک جامعه مورد استفاده قرار گرفته باشد.

«عناصـر و واژه‌های فرهنگی اقلامی هسـتند که مقید به فرهنگ خاصی هسـتند و در ارتباط میان‌زبانی مشـکلات فراوانی را ایجاد می‌کنند. همچنین به مفاهیم، روابط، پدیده‌ها، ابزارها و به طور کلی، به جنبه‌های مادی و معنوی جامعه‌ای خاص مربوط می‌شوند و مقید به فرهنگ خاصی هستند» (هاشمی میناباد، ۱۳۹۸، ص۱۳۸).

«همهٔ اصطلاحاتی که به جغرافیا، سنت‌ها، آداب و رسـوم، نهادها و فناوری‌ها اشاره دارند، عناصر فرهنگی هستند» (پالامبو، ۱۳۹۱، ص۳۸).

«به طورکلی هر قوم و ملتی، آداب و رسـوم و ارزش‌های اجتماعی خاص خود را دارد که آن را ارج می‌نهد و همهٔ آن‌ها تحت پوشش «فرهنگ» قرار می‌گیرند و می‌توان آن‌ها را ذیل عناوین کلی شخصیت‌های تاریخی، لباس‌های خاص، خوراکی‌های خاص و تعابیر دینی و اجتماعی آورد» (الحداد، ۲۰۰۶م، ص۳۶).

«روی کار آمدن حکومت‌ها نیز در شیوع واژگان بسیار مؤثر است؛ زیرا استفادهٔ ابزاری از الفـاظ، در موقعیت‌های زمانی و مکانی هـر حکومت، با دیگری متفاوت اسـت. برای مثال، در ایران قبل از انقلاب با کلماتی چون دربار، گارد شاهنشـاهی، کراوات، سـاواک و... روبه‌رو می‌شـدیم، در حالی که پس از پیروزی انـقلاب اسلامی الفاظ جدیدی چون بسیج، کمیتهٔ امداد، شهادت، دفاع مقدس، جهاد سازندگی و... ظهور پیدا کردند» (معروف، ۱۳۸۴، ص۷۶).

«ترجمه پیوسـته یکی از مهم‌ترین ابزارهای جابه‌جایی اندیشه بین ملت‌های مختلف است؛ زیرا ترجمه مرحله‌ای است فرهنگی ـ لغوی و مترجم باید به‌عنوان یک میانجی فرهنگی، بین ملت‌های متمدن ارتباط سالم برقرار کند» (الکفری، ۲۰۰۸م، ص۱۸).

«کسـانی که کار ترجمه می‌کنند معتقدند که بیان افکار دیگران به مراتب سـخت‌تر از بیان افکار خودشـان اسـت؛ چون اشـخاص در بیان افکار خود آزاد هستند و هیچ مانعی در پیش‌رویشان نیسـت، در حالی که این آزادی از مترجم گرفته شده است» (عنانی، ۲۰۰۴م، ص۶).

«نشانه‌های فرهنگی، مستلزم مهارت و توانایی مترجم در انتخاب بهترین روش در انتقال عناصر فرهنگی به زبان مقصد است تا خوانندگان به‌راحتی بتوانند با متن ارتباط برقرار کنند» (تمام، ۲۰۰۵م، ص۴۵).

«آگاهی از معانی مختلف نهفته در زبان مبدأ برای انتقال به زبان مقصد، مستلزم توجه به روش‌های ارائه غیرمستقیم پیام، الگوهای معنایی و ادبی و... است» (ضیغمی، ۱۳۹۹، ص۲).

بنابراین، ضروری است که مترجم جنبه‌های فرهنگی متنی را در ترجمه در نظر بگیرد.

نیومارک پنج مقوله را به‌عنوان عناصر فرهنگی معرفی کرده است که عبارت‌اند از:

- بوم‌شناسی و محیط زیست: گیاهان و جانوران یک سرزمین، دشت‌ها، کویرها، بادها، کوه‌ها، جلگه‌های قطبی، مراتع، شالیزار، فلات پست دشت بی‌درخت، جنگل بارانی و استوایی.
- فرهنگ مادی (مصنوعات و دست‌ساخته‌های بشر): الف. موادغذایی؛ ب. پوشاک؛ ج. مسکن و شهرها د. وسایل نقلیه.
- فرهنگ اجتماعی، کار و اوقات فراغت.
- سازمان‌ها، نهادها، آداب و رسوم، فعالیت‌ها، جریانات سیاسی و مفاهیم.
- اشارات و حرکات در حین سخن گفتن و عادات (Newmark, 1988, p95).

وی هفده روش را برای ترجمهٔ عناصر فرهنگی ارائه داده است که عبارت‌اند از: انتقال، بومی‌سازی، معادل فرهنگی، معادل کارکردی، معادل توصیفی، مترادف، توضیح ازطریقِ ترجمه، تغییر یا جابه‌جایی، روش جبران، ترجمهٔ مقبول، ترجمهٔ موقت، روش تحلیل محتوا، روش کاهش و بسط، روش دگرگون‌سازی، روش دیگر نوشت، روش تلفیق، روش یادداشت‌ها، اضافات، توضیحات.

۲. روش انتقال

انتقال یا وام‌گیری به‌معنای واژهٔ قرضی یا رونوشت با الفبای زبان مقصد است.

انتقال مرحله‌ای از ترجمه است که به‌معنی آوردن کلمه‌ای از زبان مبدأ به متن زبان مقصد است؛ به این معنی که کلمه‌ای با زبان دیگر رونوشت شود و تغییر حروف الفبایی زبان‌های مختلف را نیز شامل شود (نیومارک، ۱۳۷۲، ص۱۰۳). دربارهٔ ترجمهٔ شهرها که بیشتر روش انتقال به کار برده شده

است، مترجم برخی اوقات ترجیح می‌دهد که پس از انتقال نام شـهر، شرح مختصری نیز برای فهم بهتر خواننده بیان کنـد. نمونه‌هایی از این روش عبارت‌اند از: «اشیاء، اسـامی اشـخاص، مفاهیم فرهنگی مرتبط با یک گروه یا فرقه، نام کشورها، اسـامی روزنامه‌ها، اسـامی شـرکت‌ها و مؤسسات خصوصی و دولتی، اسامی خیابان‌ها و...» (همان، ص۱۰۴).

مترجم برای انتقال اسـامی اجازه ندارد که حرفی را کم یا زیاد کند؛ زیرا این کار باعث اختلال در ترجمه می‌شود.

برای فرایند انتقال، (۱۵۲) مورد در ترجمهٔ کتاب «سلام بر ابراهیم» شناسایی شده است که برخی از آن‌ها را بررسی می‌شود.

روز عاشورا اصغر به‌همراه چند نفر از بچه‌ها برای شناسـایی راهی منطقه برآفتاب شد (عمادی و همـکاران، ۱۳۹۶، ص۹۶). «يوم عاشوراء توجه أصغر وصالی برفقة عدد من الشـباب إلى منطقة برآفتاب كي يكلموا المعلومات و يقوموا بالاستطلاع» (مركز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۱۳۰).

«روز عاشورا» جزء فرهنگ سـازمان‌ها و نهادها و آداب و رسوم اسـت. منطقهٔ «برآفتاب» جزء بوم‌شـناسی اسـت. در ترجمه واژهٔ «وصالی» اضافه شده اسـت. باید افزود که در متن فارسی کتاب در سـطر قبل، از اصغر وصالی یاد شـده اسـت. مترجم عبارت «كـي يكلموا المعلومـات و يقوموا بالاسـتطلاع» را برای مفهوم «شناسـایی» آورده اسـت که با توضیح همراه اسـت و در واقع معادل توصیفی است.

دوران دبستان را به مدرسه طالقانی رفت و دبیرسـتان را نیز در مدارس ابوریحان و کریم خان زند پشت سر گذاشت (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۱۲). «أنهى المرحلة الإبتدائية في مدرسة طالقاني والمرحلة الثانوية في مدرستي أبوريحان وكريم خان زند» (مركز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۱۸).

آدرس او بالاتـر از پل سیـد خندان بـود داخل کوچه‌ها دنبـال منزلش می‌گشـتیم (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۵۷). «كنا نبحث عن بيته في الأحياء بعد جسـر سيد خندان» (مركز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۸۳).

«مدارس» و«پل» جزء فرهنگ مادی اسـت. کوچه‌ها «احیاء» جمع «حیّ» به‌معنای «محله‌ها» ترجمه شده است. مترجم به‌جای «زقاق» معادل‌یابی کرده است؛ اما در زبان فارسی بین مفهوم کوچه‌ها و محله‌ها تفاوت است و انتخاب واژهٔ جمع به‌معنای محله‌ها برای چند کوچه، انتخاب سبکی است.

۳. روش بومی‌سازی

بومی‌کردن یا بومی‌سازی از راهبردهای کلان ترجمه است که با هدف تولید سبکی روان و شفاف در متن مقصد صورت می‌گیرد (پالامبو، ۱۳۹۱، ص۴۵ و۵۷). مترجم در این مرحله تلاش می‌کند معادل آنچه راکه به زبان مقصد نزدیک یا شبیه به آن است را برای فهم بهتر خواننده بیان کند. در عین حال، استفاده از این روش به توانایی و مهارت مترجم نیز بستگی دارد. این روش بر انتقال غلبه می‌کند و واژهٔ زبان مبدأ را ابتدا با تلفظ طبیعی و سپس با شکل طبیعی (شکل واژه‌ها) زبان مقصد، مطابقت می‌دهد (نیومارک، ۱۳۷۲، ص۱۰۵). مترجم می‌کوشد عناصر فرهنگی زبان مبدأ را در فرهنگ زبان مقصد جذب کند و آن را با اصول و ارزش‌های فرهنگ خودی سازگار نماید، مانند ترجمهٔ ضرب‌المثل‌ها؛ برای مثال: «مَن خَطَبَ الحَسناءَ يُعطي مَهرَها» که در فارسی گفته می‌شود: «هرکه خربزه می‌خورد پای لرزش هم می‌نشیند» (کیادربندسری و صدقی، ۱۳۹۶، ص۲۰۷).

برای فرایند بومی کردن، نُه مورد شناسایی شد که چند نمونه ذکر می‌شود.

محرم سال ۱۳۵۹ اتفاق مهمی رخ داد. اصغر وصالی و علی قربانی با نیروهایشان از سرپل‌ذهاب به گیلان غرب آمدند (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۹۶). «حصل أمر مهم في عاشوراء العام ۱۹۸۰م. وصل أصغر وصالي و علي قرباني برفقة مجموعة من المتطوعين الآتين من سربل ذهاب إلى جيلان غرب» (مرکز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۱۳۰).

منطقهٔ «سرپل‌ذهاب» و «گیلان غرب» جزء فرهنگ بوم‌شناسی است. اسم دو منطقه در ایران است که وارد زبان مقصد شده است؛ اما با ریخت و شکل و الفبای زبان مقصد. این کار به‌درستی انجام شده است؛ زیرا حرف «پ» و «گ» در الفبای زبان عربی نیست و مترجم از بومی‌سازی استفاده کرده است. مترجم این عبارت «با نیروهایشان» را «برفقة مجموعة من المتطوعين» به‌معنی «به‌همراه تعدادی از داوطلبان یا بسیجیان» ترجمه کرده است. در متن فارسی صحبتی از داوطلبی یا بسیجی بودن نیروها نیست و ضمیر که نشان می‌دهد نیروها تحت‌فرمان اصغر وصالی و علی قربانی هستند، در ترجمه نیامده است. این کاستی ترجمه را نشان می‌دهد.

چشماش رو در میارم (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۱۷۱). «أقلع له عينيه» (مرکز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۲۱۹).

چشم درآوردن، نوعی تهدید به شمار می‌رود. جزء فرهنگ نهادها، آداب و رسوم، فعالیت‌ها،

جریانات سیاسی و مفاهیم اســت. مترجم با توجه به مفهوم این عبارت، به‌خوبی توانســته معادل معنایی آن را در زبان مقصد پیدا کند. در عربی، معادل‌های بهتری هم برای بومی‌ســازی این تهدید وجود دارد که عبارت‌اند از: «سأنتقم منه شــرّ انتقام» یعنی «به بدترین شکل از او انتقام می‌گیرم» که معادلی فصیح و رسمی برای متن نوشتاری است یا «ســأجعله یندم علی ما فعل» به‌معنی «کاری می‌کنم که از کاری که کرده، پشیمان شــود» تهدید ملایم‌تر و رایج در زبان معیار اســت یا «سأؤدّبه تأدیبًا شدیدًا»؛ یعنی «به‌شدت تنبیهش می‌کنم» که در بافت دینی یا اخلاقی مناسب است.

جعفر جنگروی از دوســتان مــا آنجا بــود (عمــادی و همــکاران، ۱۳۹۶، ص۱۴۱). «كان جعفر جنكروي هناك» (مركز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۱۸۴).

اســم‌های زیادی در رمان‌ها وجود دارند کــه مترجم‌ها در برخی مواقع در ترجمــهٔ آن‌ها تغییرات کوچکی می‌دهند و با الفبای زبان مقصد می‌نویسند. با توجه به اختلاف حروف الفبایی بین دو زبان عربی و فارسی در چهار حرف «گ، چ، پ، ژ»، مترجمان در برگرداندن اسامی خاص به عربی، مجبور به بومی‌سازی آن هستند تا با ریخت عربی سازگار باشد. مترجم «از دوستان ما» را ترجمه نکرده است و این اشکال بزرگی است. «دوستان» را می‌توان جزء فرهنگ اجتماعی به شمار آورد.

در همین حین، عراقی‌ها از پایین تپه شروع به شــلیک کردند. گلوله‌های آرپی‌چی و خمپاره مرتب به‌سمت ما شلیک می‌شــد (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۷۹). «في هذه الأثناء، بدأ جيش صدام بإطلاق النار علينا من أســفل التلة من قذائف آر بي جي و قذائف هاون» (مركــز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۱۱۱).

«آرپی‌چی» از سلاح‌های جنگی و نظامی اســت. جزء فرهنگ مادی به شمــار می‌رود. مترجم برای ترجمهٔ این عنصر فرهنگی از روش بومی‌ســازی اســتفاده کرده اســت. «عراقی‌ها» به «جیش صدام» ترجمه شده است و به‌خوبی بومی‌سازی شده، زیرا منظور از عراقی‌ها در داستان همان سپاه صدام است، نه مردم غیرنظامی عراق و جزء فرهنگ ســازمان‌ها، نهادها، آداب و رسوم، فعالیت‌ها، جریانات سیاسی و مفاهیم است.

۴. معادل فرهنگی

زمانی که یک واژهٔ فرهنگی از زبان مبدأ به یک واژهٔ فرهنگی در زبان مقصد ترجمه می‌شــود، این یک ترجمهٔ تقریبی است و کاربرد این نوع ترجمه محدود است، زیرا دقیق نیست؛ اما در متون عمومی،

متون تبلیغی و آگهی و نیز به‌عنوان توضیحی برای خوانندگانی که به موضوع مورد بحث زبان مبدأ آشنایی ندارند، می‌توان از این معادل استفاده کرد (نیومارک، ۱۳۷۲، ص۱۰۵).

برای فرایند معادل فرهنگی، (۲۰۸) مورد شناسایی شد که چند نمونه از آن ذکر می‌شود.

گفتم: داش ابرام دیروز وقتی هلی‌کوپتر رسید چه کار کردید؟ (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۱۰۲). «سألتُ إبراهيم يومها: أخي أبرام ماذا فعلتما حين جاءت المروحية؟» (مركز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۱۳۸).

«سألت» در عربی به‌معنی «پرسیدم» است و «قلت» به‌معنی «گفتم». در این بافت، «پرسیدم» معنای دقیق‌تری از «گفتم» را منتقل می‌کند.

بچه‌ها اینجا زیاد به یاد خدا باشید. اگر خمپاره بیاد هیچی از ما نمی‌مونه (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۷۹). «يا شباب تذكروا الله كثيرا في هذا المكان؛ لأنّه إذا وقعت قنبلة يدوية هنا فلن يبقى منا شيء» (مركز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۱۱۰).

«هلی‌کوپتر» و «خمپاره» جزء فرهنگ مادی به شمار می‌رود. «قنبلة يدوية» به‌معنی نارنجک دستی است (طبیبیان، ۱۳۷۸، ص۱۰۱۳). خمپاره به‌معنی «مدفع الهاون، القذيفة، الرجم» است (همان، ص۳۷۸). مترجم خمپاره را «قنبلة يدوية» یعنی نارنجک ترجمه کرده است. این یک خطای فاحش در ترجمه است و بر درک خوانندهٔ عرب‌زبان از متن، تأثیر بسیاری دارد. قنبلة يدوية (نارنجک دستی) با خمپاره (القذيفة، الهاون) تفاوت اساسی دارد. خمپاره یک سلاح توپخانه‌ای با برد و قدرت تخریب بسیار بیشتر از نارنجک است. این اشتباه می‌تواند تصویری کاملاً نادرست از صحنهٔ نبرد در ذهن خواننده ایجاد کند و بزرگی خطر را کاهش دهد.

شخصی موتور شوهرخواهر او را برداشته و در حال فرار بود (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۷۵). «كان أحدهم يسرق الدراجة النارية لصهره ويلوذ بالفرار» (مركز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۱۰۵).

شوهرخواهر را «صهر» که به‌معنی «خویشاوند سببی، داماد و شوهر خواهر» است به‌خوبی ترجمه کرده است. موتور جزء فرهنگ مادی به شمار می‌رود.

۵. معادل کارکردی

این روش متداول که برای واژه‌هـای فرهنگی مورد اسـتفاده قرار می‌گیرد، مسـتلزم به کاربردن یک واژۀ واحد از فرهنگ اسـت که برخی اوقات با یک واژۀ جدید خاص همراه می‌شـود؛ ازاین‌رو روش یادشـده، واژۀ زبان مبدأ را خنثی یا عام می‌نماید و گاهی هم نکته یـا جزئیاتی را اضافه می‌کند (نیومارک، ۲۰۰۶ م، ص۱۳۱). این روش که یک نوع تحلیل فرهنگی کلمات است، یکی از روش‌های صحیح در ترجمه است. هنگامی که یک عبارت تخصصی موجود در زبان مبدأ، هیچ معادلی در زبان مقصد نداشته باشد، این روش به‌کار گرفته می‌شود. برای مثال، در ترجمۀ «صندوق الکهرباء» که در فارسی به‌معنی «کنتور برق» است، روش کارکردی به‌کار رفته است، چراکه جعبه و صندوق برق در زبان مقصد مفهوم و معنایی ندارد (کیادربندسری و صدقی، ۱۳۹۶، ص۲۰۱).

برای فرایند معادل کارکردی، (۱۱) مورد شناسایی شد که چند نمونه از آن‌ها بیان می‌شود.

دو نفر از صاحبان عزاء، ظرف آب و لگـن آوردند (عمادی و همـکاران، ۱۳۹۶، ص۱۴۳). «ثم یحضر أحدهم وعاء کبیرا و إبریق ماء بلاسـتیکیّا لیغسـل الضیوف أیدیهم» (مرکز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱ م، ص۱۸۶).

«لگن یا طشـت» جزء اشیاء و نیز عنصر فرهنگ مادی به حسـاب می‌آید. شـستن دست‌ها در مجالس با ظرف آب و لگن در گذشـته از رسـوم مجالس و میهمانی‌ها بوده؛ بنابراین جزء فرهنگ اجتماعی اسـت. مترجم از معادل کارکردی به‌درستی برای این عبارت اسـتفاده کرده است. کارکرد لگن یا آن ظرف بزرگ را برای خوانندۀ زبان مقصد توضیح داده اسـت و با آوردن «لیغسل الضیوف أیدیهم» قصد داشته به خواننده بفهماند که برای چه منظوری است. مترجم این عبارت مذکور را به متن اضافه کرده است. مترجم از روش‌های دیگری نیز برای انتقال این عبارت استفاده کرده است، مانند روش تـوصیفی و شرح که لگن را شرح کوتاهی داده اسـت. بنابراین می‌تـوان گفت که مترجم علاوه‌بر روش کارکردی، از روش تلفیق نیز برای ترجمۀ این عنصر فرهنگی استفاده کرده است.

به‌سـمت تیربار رفت. چند لحظه بعد نارنجک اول را انداخت؛ ولی فایده‌ای نداشت (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۱۵۶). «ثم توجه نحو الرامـی. رمی القنبلة الیدویة الأولی ولکن من دون فائدة» (مرکز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱ م، ص۲۰۱).

«تیربار یا مسلسل» نوعی سلاح جنگی و نظامی اسـت. رامی به‌معنی تیرانداز است (طبیبیان،

۱۳۷۸، ص۲۸۶). تیربار به معنی «الرشاشة» است (همان، ص۲۸۷). مترجم در این عبارت به جای اینکه از معادل این کلمه استفاده کند، کارکرد آن را که پرتاب گلوله است، ذکر کرده است. وقتی معادل کلمه‌ای در زبان مقصد وجـود دارد، مترجم باید از معادل آن برای ترجمه اسـتفاده کند و این ضعف ترجمه به شمار می‌رود. «تیربار» و «نارنجک» جزء فرهنگ مادی است.

به‌اندازهٔ یک هفته آذوقه که بیشـتر نان و خرما بود، برداشـتیم. سلاح و مواد منفجره و مین ضد خودرو به تعـداد کافی در کوله‌پشتی‌ها بسـته‌بندی کردیم و راه افتادیم (عمـادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۱۰۰). «حملنا معنا زادا یکفی أسبوعا معظمة من الخبز والتمر. مضافا إلی الأسلحة والمواد المنفجرة والألغام الخاصة بالآلیات وضعناها فی حقائبنا العسـکریة التی حملناهـا علی ظهورنا و تحرکنا» (مرکز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۱۳۵).

«کوله‌پشتی» جزء فرهنگ مادی اسـت. در متن اصلی کوله‌پشتی نوشته شده است. مترجم از روش کارکردی به‌درستی استفاده کرده است: کیف‌های نظامی که بر کمرمان قرار دادیم.

۶. روش معادل توصیفی

در روش توصیفی می‌تـوان از روش تلفیق «انتقال و توصیف» هم بهـره گرفت؛ برای مثال، «ابن الثعلب» که «حقه‌باز» ترجمه می‌شـود، بـه معادل توصیفی کلمـه در زبان مقصد اشـاره دارد، زیرا روباه در فرهنگ فارسی مانند فرهنگ عربی، نماد حیله‌گری اسـت (کیادربندسری و صدقی، ۱۳۹۶، ص۲۰۹).

برای فرایند معادل توصیفی، سه مورد شناسایی شد که به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

بچه‌ها با چهره‌هایی اشک‌آلود و عصبانی دنبال ابراهیم می‌گشـتند (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۱۴۴). «تفرق الشباب و قد تورمت أنوفهم و دمعت عیونهم، یبحثون عن ابراهیم» (مرکز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۱۸۷).

در این عبارت از اعضای بدن نام برده شـده است که جزء عنصر فرهنگ اشارات و حرکات در حین سخن گفتن و عادات به شمـار می‌آید «تفرق الشـباب و قد تورمت أنوفهم و دمعت عیونهم». مترجم حالات شـخصی را توصیف کرده است که وقتی کسـی گریه می‌کند چشمانش قرمز شده و بینی‌اش ورم می‌کند. مترجم با این توصیفات نشـان داده است که شـخص خیلی گریه کرده است. مترجم عبارت «بچه‌ها دنبال ابراهیم می‌گشـتند» را «تفرق الشباب... و یبحثون عن ابراهیم» ترجمه

کرده است که با استفاده از کلمهٔ «الشباب» به توصیف بچه‌ها پرداخته و با به کار بردن فعل «تفرّق» و«یبحثون»، تصویری از پراکنده شدن نیروها و گشتن را برای خواننده به‌زیبایی توصیف می‌کند؛ اما «عصبانی» را ترجمه نکرده است و این ضعف به شمار می‌رود.

یک‌دفعه ابراهیم همراه چندنفر از دوستان به‌سمت عراقی‌ها حمله کردند و آن‌ها در حالی که از سنگر بیرون می‌دویدند فریاد می‌زدند: «الله اکبر» (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۸۰). «رکض ابراهیم برفقة عدد من الشباب وهم یطلقون النار و یرمون القنابل و یهجمون علی الصدامیین و هم یصرخون: الله اکبر» (مرکز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۱۱۲).

در متن اصلی کلمه «عراقی‌ها» ذکر شده است و جزء فرهنگ سازمان‌ها، نهادها، آداب و رسوم، فعالیت‌ها، جریانات سیاسی و مفاهیم است. مترجم از عبارت «صدامیین» استفاده کرده است؛ یعنی آن‌ها را توصیف کرده است و با این توصیف رسانده است که مردم غیرنظامی عراق منظور نیست و این بسیار دقیق است. با به کاربردن کلمهٔ «الشباب»، به توصیف «دوستان» پرداخته است. «دوستان» را می‌توان جزء فرهنگ اجتماعی به شمار آورد. در اینجا اشکال این است که مترجم عبارت «درحالی‌که از سنگر بیرون می‌دویدند» را ترجمه نکرده و تصویر فرار از سنگر را برای خواننده به تصویر نکشیده است. این نوعی کاستی در ترجمه به شمار می‌رود.

۷. روش مترادف

واژهٔ «مترادف» «در معنای یک معادل نزدیک در زبان مقصد، برای واژه‌ای از متن زبان مبدأ است». هنگامی از این روش استفاده می‌شود که واژهٔ فرهنگی موردنظر، معادل دقیق در زبان مقصد نداشته باشد و واژهٔ جایگزینِ معادل، اهمیت چندانی در متن نداشته باشد. بدون استفاده از مترادف، گمان می‌رود ترجمه ناممکن است. در برخی از مواقع مترجم ناگزیر است از روش ترجمهٔ تحت‌اللفظی عبور کند و از روش مترادف بهره گیرد تا قسمت‌های مهم‌تر متن، یعنی اجزایی که تعیین‌کنندهٔ معنای درست‌تر است را ترجمه کند؛ اما استفادهٔ بی‌جا و غیرضروری از مترادف‌ها بیان‌کنندهٔ ضعف بسیاری از ترجمه‌ها است (نیومارک، ۱۳۷۲، ص۱۰۷).

به این نکته باید توجه کرد که بین روش «مترادف» نیومارک، با الفاظ «مترادف» فرق‌هایی دیده می‌شود. الفاظ مترادف این امکان و مزیت را دارند که تعریف‌کنندهٔ واژه‌ای ناآشنا باشند و از تکرار الفاظ مشابه جلوگیری کنند (معروف، ۱۳۸۴، ص۸۴).

نکتهٔ مهـم در بحث الفاظ مترادف این اسـت که هرکـدام دارای «بار عاطفی» اسـت. برخی از مترادف‌ها ازحیثِ بار عاطفی متفاوت هستند.

> «معنای عاطفی واژه‌ها در موقعیت‌های عاطفی شـکل می‌گیـرد و می‌تواند متفاوت با معنای قاموسی آن‌ها باشد؛ به این معنا که برخی از کلمات، مثبت بوده و بیانگر مدح و ستایش هستند و برخی دیگر، بار منفی داشته و مذمت و سرزنش را به همراه می‌آورند. برای مثـال، کلمهٔ «اقتصادی» و «خسیـس» را در نظر بگیریـد. اقتصادی کلمه‌ای مثبت است و حسـابگری را در ذهن تداعی می‌کند؛ اما «خسیس» بار منفی داشته و معنای خودخواهی و بخل است» (ناظمیان، ۱۳۸۸، ص۶۳).

از روش مترادف در کتاب، چهار مورد شناسایی شد.

شـلوار و پیراهن شیک پوشیدی (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۴۰). «كنت مرتديا بزّة أنيقة» (مركز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۶۱).

شلوار و پیراهن؛ یعنی پوشاک جزء عنصر فرهنگ مادی است. مترجم از روش مترادف استفاده کرده است. شلوار و پیراهن به کت و شلوار شیک ترجمه شده است که به متن و درک خواننده آسیبی نمی‌زند.

فردای آن روز با پیراهن بلند به محل کار آمد. با چهره‌ای ژولیده حتی با شلوار کُردی و دمپایی آمده بود (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۵۵). «جاء إلى العمـل بوجه غير مرتب و ببنطال كردي منتعلا خفّا» (مركز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۸۰).

پیراهن و شلوار کردی جزء فرهنگ مادی است که مترجم، از روش مترادف استفاده کرده است؛ یعنی پیراهن بلند و سرووضـع ژولیده را در کل، غیرمرتب ترجمه کرده اسـت. بهتر بود پیراهن را ترجمه می‌کرد.

۸. روش تغییر و جایگزینی

ترجمه همراه با تغییر دستوری، مانند تغییر در جای صفت و موصوف و دیگر اجزای جمله است، مانند: «مُصَلّی طهـرانَ الكبيرُ: مصلای بزرگ تهـران» و «ثورتُنا الإسلامية: انـقلاب اسلامی ما» و «طيّبة القَلبِ: پاکدل». در مثال‌ها مشـاهده شـد که صفت و موصوف عربی به چندین شکل در فارسی ترجمه شده که همگی هم درست است. مترجم زمانی می‌تواند روش تغییر و جایگزینی را برای

ترجمه به کار گیرد که ساختارهای زبانی با طبیعت زبان برابر باشـد و مشکلی به پیام متن اصلی وارد نکند (نیازی و قاسمـی اصل، ۱۳۹۷، ص۱۰۴). این تغییرات خودبه‌خود و از روی حس تشـخیص و اسـتنباط مترجم صورت می‌گیرد و هیچ گزینهٔ دیگری دربرابر وی قـرار نمی‌گیرد (نیومارک، ۱۳۷۲، ص۱۰۸ و ۱۰۹). برخی اوقات مترجم برای اینکه بتواند فهم و درک متن را برای خواننده آسان کند، از تغییر یا جایگزینی استفاده می‌کند.

در کتاب مورد پژوهش، شش مورد شناسایی شده است که مواردی از آن بیان می‌شود:

پیرزنی که حجاب درستی نداشـت، دم در آمد. ابراهیم هم وسـایل را تحویل داد و یک صلیب گردن پیرزن بود (عمـادی و همـکاران، ۱۳۹۶، ص۶۱). «فتحت سیدة عجوز البـاب یبدو أنها غیر ملتزمة بالحجاب یتدلی علی رقبتها صلیب» (مرکز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۸۸).

حجاب نداشتن پیرزن و صلیب بـه گردن آویختن، جـزء فرهنگ سـازمان‌ها، نهادها، آداب و رسـوم، فعالیت‌ها، جریانات سیاسی و مفاهیم اسـت. مترجم عبارت «دم در آمدن» را به «در را باز کردن» ترجمه کرده است که قابل فهم و واضح است؛ اما عبارت «ابراهیم هم وسایل را تحویل داد» را ترجمه نکرده است و دست به حذف زده است که نوعی چشم‌پوشی از متن اصلی محسوب می‌شود.

با هم رفتیم سمت بیمارستان سوم شعبان و سریع برگشـتیم (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۵۲). «اتجهنا معا نحو مستشفی «الثالث من شعبان» و أسـرعنا فی العودة» (مرکز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۷۵).

مترجم برای ترجمهٔ این عنصر فرهنگی که جزء فرهنگ مادی به حسـاب می‌آید؛ از روش ترجمهٔ تغییر یا جایگزینی استفاده کرده است که ترجمه‌ای قابل فهم و واضح است.

۹. روش دگرگون‌سازی یا وارونه‌ش

برخی از فرایندهـایی که دگرگون‌سـازی در آن ایجاد می‌شـود، این موارد اسـت: علت به‌جای نتیجه، جزء به‌جای کل، تغییر نمادها و معلـوم به‌جای مجهول. مثالی را که می‌تـوان برای این روش ذکر کرد: «رُزِقَ الوزیرُ ولداً» (جمله مجهول)؛ خداوند به وزیر فرزنـدی بخشید (جملهٔ معلوم) (نیازی و قاسمـی اصل، ۱۳۹۷، ص۱۰۴). به اعتقاد نیومارک، مفهوم کلی ایـن روش آن‌طور که گمان می‌رود، مفید نیست؛ زیرا اصطلاحی کلی است که هرچیزی را غیر از ترجمهٔ تحت‌اللفظی دربرمی‌گیرد، غیر از «عکس نقیض» که نوعی دگرگون‌سـازی مثبت به‌جای منفی یا بالعکس است (نیومارک، ۱۳۷۲،

ص۱۱۲). «آوردن جـزء به جای کل» ازنظرِ نیومارک بسیار نادرسـت بیان شـده اسـت. این روش شامل آن چیزی است که او «معادل‌های شناخته‌شـده» می‌نامد. فرایندهای دیگر دگرگون‌سازی شامل این موارد می‌شود: الف. انتزاعی به جای عینی؛ ب. علت به‌جای معلول؛ ج. معلوم به‌جای مجهول؛ د. مکان به‌جای زمان و... (پالامبو، ۱۳۹۱، ص۹۶). برخی از تفاوت‌هایی که بین دیدگاه‌های نویسنده و مترجم وجود دارد، دلیل استفاده از این روش به حساب می‌آید.

در کتاب، پنج مورد شناسایی شده است که به برخی اشاره می‌شود.

ابـراهیم در حالی که آرامش همیشـگی را نداشـت رو بـه من کـرد و در حالی که دسـتش را با عصبانیت تکان می‌داد (عمادی و همـکاران، ۱۳۹۶، ص۱۶۲). «قال لی ابراهیم بانزعاج و غضب لم أعهده و هو یهزّ یده» (مرکز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۲۰۹).

«آرامش نداشتن هنگام صحبت کـردن» و «تکان دادن دسـت با عصبانیـت» جزء فرهنگ اشارات و حرکات در حین سـخن گفتن و عادات به شمـار می‌آید. متن اصلی منفی نوشته شده؛ اما متن به‌صورت مثبت ترجمه شده است. عبارت «آرامش همیشگی را نداشت» «بانزعاج و غضب» ترجمه شده است. مترجم به‌دقت از روش دگرگون‌سازی استفاده کرده است. عبارت «رو به من کرد» را «قال» ترجمه کرده است که به فهم متن آسیبی نمی‌زند.

شب تاسوعا بود در مسجد عزاداری باشکوهی برگزار شد (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۱۶۱). «إنّه یوم «تاسوعا» أقیمت مراسم عزاء مهیبة فی المسجد» (مرکز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۲۰۷).

مترجم شب را روز ترجمه کرده است. ازنظرِ زمان و اینکه تصویرسازی برپایی عزاداری در شب با روز تفاوت دارد، اشتباه بزرگی است که نشان از بی‌دقتی در ترجمه است. «شب تاسوعا» و «برگزاری عزاداری» جزء فرهنگ سازمان‌ها و نهادها و آداب و رسوم به شمار می‌آید.

۱۰. روش جبران

اصطلاح «روش جبران» به یکی از روش‌های ترجمه گفته می‌شود که هدف آن جبران تأثیر یکی از صنایع متن مبدأ است که در ترجمه از دست رفته اسـت، مانند جناس یا واج‌آرایی (پالامبو، ۱۳۹۱، ص۲۲). گویا این روش هنگامی صورت می‌گیرد که نارسـایی معنایی یا نقـص در جلوه‌های آوایی و استعاره‌ها و تأثیر کاربردی بخشی از جمله در قسـمتی دیگر از همان جمله یا در جملهٔ مجاور آن جبران می‌شود (نیومارک، ۱۳۷۲، ص۱۱۵).

برای فرایند جبران، پنج مورد شناسایی شد که برخی از آن‌ها بررسی می‌شود.

جواد بعد از شستن دست، سرش را زیر آب گرفت. جواد در حالی که آب از سر و رویش می‌چکید، با تعجب به اطراف نگاه می‌کرد (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۱۴۳). «غسل جواد یدیه ثم وضع رأسه تحت ماء الإبریق البلاستیکی و... ثم بدأ ینظر حوله والماء ینزل علی وجهه و ثیابه» (مرکز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۱۸۷).

در متن فقط آمده است که سرش را زیر آب گرفته؛ اما مترجم «الابریق البلاستیکی» را اضافه کرده تا خسارت معنایی را جبران کند و همچنین «سر و رویش» را «وجهه و ثیابه» ترجمه کرده است، یعنی «ثیابه» را اضافه کرده تا خسارت معنایی را جبران کند. لازم به ذکر است که عبارت «با تعجب» ترجمه نشده است و این ضعف ترجمه به شمار می‌رود. «با تعجب به اطراف نگاه کردن» جزء فرهنگ اشارات، حرکات در حین سخن گفتن و عادات است. «سر را زیر آب گرفتن» را می‌توان جزء فرهنگ اجتماعی کار و اوقات فراغت به شمار آورد.

فهمیدم درس حوزوی می‌خواند (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۴۴). «عرفت أنه یدرس علوما حوزویة» (مرکز لمعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۶۶).

مترجم با آوردن کلمه «علوما» سعی کرده است تا خسارت معنایی را جبران کند. «حوزه» جزء فرهنگ سازمان‌ها و نهادها و آداب و رسوم است.

بعد هم یک وانت هندوانه تهیه کردند و بین سربازان تقسیم کردند (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۶۵). «بعد ذلک، تسلّما شاحنة البطیخ التی کانت فی المطار من قبل وأوصلوا البطیخ إلی الدشم و إلی الحراس و إلی نقاط المراقبة» (مرکز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۹۳).

مترجم با توجه به متن‌های قبلی داستان، با اضافه کردن کلمهٔ «فرودگاه» و «سنگر و سربازان و مکان‌های مراقبت»؛ یعنی «إلی الدشم و إلی الحراس و إلی نقاط المراقبة» درصددِ جبران خسارت معنایی است. ماشین وانت جزء فرهنگ مادی است. «سربازان» جزء فرهنگ سازمان‌ها و نهادها و آداب و رسوم به شمار می‌آید.

۱۱. روش کاهش و بسط

روش‌های ترجمهٔ دیگری هم در متن هست که دقت کافی در آن‌ها وجود ندارد و مترجم از روی

تشـــخیص خود، در برخی موارد آن‌ها را به کار می‌بندد (نیومارک، ۱۳۷۲، ص۱۱۵). گاه ممکن است در روش کاهش، جملهٔ فعلیه زبان مبـــدأ به یک صفت در زبان مقصد ترجمه شـــود (نصیری، ۱۳۹۰، ص۶۸). فرق بین روش «بسط» و «جبران» این است که در روش «جبران»، نقص معنایی یا آوایی جملهٔ مبدأ جبران می‌شود؛ اما در روش «بسط» توضیحات اضافهٔ مترجم باعث طولانی شدن بدون فایدهٔ متن می‌گـــردد و بدون آن توضیحات اضافه هم، مشـــکلی در فهم معنایی جملـــهٔ مبدأ به وجود نمی‌آید (کیادربندسری و صدقی، ۱۳۹۶، ص۲۱۲). فرق این روش با روش شرح و توضیحات در این است که مترجم توضیحات اضافی را در خارج از متن ارائه می‌دهد؛ البته روش‌های ترجمهٔ نیومارک با یکدیگر هم‌پوشانی دارد.

برای فرایند کاهش و بست، پنج مورد شناسایی شد که به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

ما با عبور از داخل شیارها و لابه‌لای تپه‌ها خودمان را به رودخانه امام حســـن علیه‌السلام رســـاندیم. با عبور از رودخانه، تانک‌ها نتوانستند ما را تعقیب کنند. محل مناسبی را در پشت رودخانه پیدا کردیم و مشغول استراحت شـــدیم. دقایق بعد، از دور صدای هلی‌کوپتر شـــنیده شد (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۱۰۱). «فنزلنا بين المنحـــدرات إلى أن وصلنا إلى نهر الإمام الحســـن علیه‌السلام. بعد عبور النهر، أخفقت دبابات العدو في اللحاق بنا. وجدنا مكانا مناســـبا في الجهة الأخرى من النهر وأخذنا قسطا من الراحة بعد دقائق، سمعنا صوت مروحية» (مرکز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۱۳۶).

«شیارها و لابه‌لای تپه‌ها» و «رودخانه» جزء فرهنگ بوم‌شناسی و محیط زیست است. «تانک» و «هلی‌کوپتر» جزء فرهنگ مادی است. مترجم عبارت «از دور» را ترجمه نکرده است؛ یعنی دست به حذف زده اســـت. همچنین عبارت «ما با عبور از داخـــل شیارها و لابه‌لای تپه‌هـــا» را به‌صورت خلاصه ترجمه کرده اســـت؛ یعنی «شیارها و تپه‌ها» را «منحدرات» ترجمه کرده است. این حذف بر تصویرسازی خواننده تأثیر می‌گذارد؛ زیرا تلاش و سختی عبور از داخل شیارها و لابه‌لای تپه‌ها بیان نشده است. این حذف نیز نوعی چشم‌پوشی از متن اصلی به حساب می‌آید.

سه گردان از سربازان ارتشی آنجا بودند. حدود یک گردان هم از نیروهای سپاه در فرودگاه مستقر بودند. گلوله‌های خمپاره از داخل شهر به‌سمت فرودگاه شـــلیک می‌شد (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۶۵). «استقرت في المطار ثلاث كتائب من الجيش برفقة كتيبة من الحرس الثوري وكانوا يقصفون المطار باستمرار» (مرکز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۹۲).

«سربازان ارتشـــی» و «نیروهای سپاه» جزء فرهنگ ســـازمان‌ها و نهادها و آداب و رسوم است.

«گلوله‌های خمپـاره»، «شـهر» و «فرودگاه» جزء فرهنگ مادی به شمـار مـی‌رود. مترجم از روش کاهش و بسط استفاده کرده اسـت. او عبارت «گلوله‌های خمپاره از داخل شـهر» را ترجمه نکرده و به‌طورخلاصه گفته است: «کانوا یقصفون المطار باسـتمرار». این حذف، میزان خسارت و شدت تخریب و جهت حمله از داخل شـهر را به خواننده منتقـل نمی‌کند؛ بنابراین جـزئی از کاستی ترجمه محسوب می‌شود.

۱۲. روش یادداشت‌ها، اضافات، توضیحات

مترجم برخی از اطلاعات را به ترجمهٔ خود اضافه می‌کند که این توضیحات، بیشـتر یا فرهنگی اسـت که تفاوت موجود میان فرهنگ زبان مبدأ و مقصد را مشـخص می‌کنند یا فنی، که مربوط به موضوع است و یا زبانی است که مربوط به استفادهٔ خودسـرانه از کلمه‌ها برای شرح مطلب است و به مقتضیات خوانندگان ترجمه که با خوانندگان متن اصلی متفاوت هستند، بستگی دارد (نیومارک، ۲۰۰۶م، ص۱۴۵). مترجم این توضیحات اطلاعاتی راکه ممکن اسـت خواننده از آن آگاهی نداشته باشد، در اختیار خواننده می‌قرار می‌دهد.

در کتاب، پنج مورد یافت شد که به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

ژ۳ هم شده بود میل. با پوکهٔ توپ و تعدادی دیگر سلاح‌ها، وسـایل ورزشی را درست کرده بود (عمـادی و همـکاران، ۱۳۹۶، ص۹۴). «وقد تحولـت الG۳ إلی مدک و فراغـة القنابل و عدد من الأسـلحة الأخری إلی أدوات ریاضیة. شرح: (مدک: فی الزورخانة، یحمل اللاعبون وسیلة خشـبیة ثقیلة علی شکل قرع» (مرکز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۱۱۴).

«ژ۳» که از سلاح‌های جنگی و نظامی اسـت و نیز «پوکهٔ توپ» جزء فرهنگ مادی به شمـار می‌رود. «میل» که از وسایل ورزش باستانی است جزء فرهنگ مادی به شمار می‌رود. مترجم توضیح اضافی را برای واژهٔ «مدک» بیان کرده اسـت تا متن برای خواننده واضح شود. این یادداشت مترجم بسیار مفید و ضروری است.

چندین ماشین ساواک و حدود ده مأمور در اطراف خیابان ایستاده بودند (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۴۹). «علی جانب الطریق، اصطفّت سیارات السافاك و وقف مایقارب عشرة من رجال شرطة» (مرکز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۷۱) ... شرح: جهاز الأمن زمان الشاه.

«ساواک» و«مأمور» جزء فرهنگ سـازمان‌ها و نهادها و آداب و رسـوم به شمار می‌آید. مترجم

کلمهٔ ساواک را برای خوانندهٔ زبان مقصد توضیح داده است: (دستگاه امنیت زمان شاه)، تا خواننده دچار سردرگمی نشود.

تقریباً از سه سال قبل از پیروزی انقلاب تا ایام انقلاب هر هفته صبح‌های جمعه با چند نفر از بچه‌های زورخانه می‌رفتند تجریش، نماز صبح را در امامزاده صالح می‌خواندند (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۳۰). «قبل سنين تقريباً من إنتصار الثورة حتى سنة الانتصار كان يذهب كل يوم جمعه مع إثنين أو ثلاثة من شباب الزورخانه إلى تجريش و يصلون صلاة الفجر في مقام صالح» (مركز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۴۷).

شرح: «إبن أحد الأئمة عليهم‌السلام».

این عبارت جزء فرهنگ سازمان‌ها و نهادها و آداب و رسوم است؛ زیرا اصطلاحات مذهبی مثل «امامزاده صالح» رفتن، نماز خواندن، در این عبارت به کار رفته است. مترجم از روش شرح و توضیحات استفاده کرده است تا ترجمه روان و قابل‌فهم شود. برای مثال، با آوردن عبارت مقام صالح، بلافاصله شرح مختصری را برای خوانندهٔ زبان مقصد، با این عنوان که فرزند یکی از ائمه است، ارائه داده است. مترجم «ایام انقلاب» را «سنة الانتصار» ترجمه کرده است که ترجمهٔ سطحی است.

با بچه‌های کمیته در مأموریت‌هایشان همکاری داشت (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۵۳). «ثم ساعد شباب اللجنة في عملهم» (مركز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۷۸). شرح: «قبل تأسيس الحرس الثوري، كان عبارة عن لجان في المناطق. كما كان يطلق على شباب الحرس، شباب اللجان».

با توجه به اینکه در این عبارت، اصطلاحات نظامی به کار رفته، این عنصر فرهنگی جزء سازمان‌ها، نهادها، آداب و رسوم، فعالیت‌ها، جریانات سیاسی و مفاهیم است. مترجم از روش شرح و توضیح به خوبی استفاده کرده است.

۱۳. روش تلفیقی

مترجم برای ترجمهٔ عنصر فرهنگی، از دو، سه یا چهار مورد از روش‌هایی را که قبلاً ذکر شد، برای فهم و درک بهتر خواننده استفاده می‌کند. گمان می‌شود که این روش، بهترین روش برای انتقال عنصر فرهنگی از زبان مبدأ به زبان مقصد است. برای مثال، هنگامی که مترجم از روش انتقال برای ترجمهٔ عنصر فرهنگی استفاده می‌کند، در کنار آن از روش شرح و توضیحات، معادل کارکردی و معادل توصیفی استفاده می‌کند. «این روش به‌ویژه در واژه‌های فرهنگی رایج است؛ به‌طوری

که روش انتقال با یک معادل کارکردی یا فرهنگی ترکیب می‌شود. می‌توان این روش را به‌منزلهٔ فرصت‌های دوچندان در نظر گرفت» (نیومارک، ۱۳۷۲، ص ۱۱۷-۱۱۶).

برای فرایند تلفیق، چهار مورد شناسایی شد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

سردار محمد کوثری، فرماندهٔ اسبق لشکر حضرت رسول‌الله ﷺ ضمن بیان خاطراتی، از ابراهیم تعریف می‌کرد (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۹۰). «حدثنا القائد محمد کوثری خلال عرض ذکریاته مع الشهید ابراهیم قال: (مرکز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص ۱۲۳).

شرح: «القائد الاسبق للواء الرسول صلی الله علیه و آله وسلم».

اصطلاحات نظامی، مانند «سردار» و «فرماندهٔ اسبق لشکر» جزء عنصر سازمان‌ها و نهادها و آداب و رسوم است. مترجم از روش تلفیق استفاده کرده است؛ یعنی ابتدا اسم را انتقال داده، سپس شرح مختصری را ارائه کرده است تا خوانندهٔ زبان مقصد سردرگم نباشد. مترجم در این بخش خوب عمل کرده است. کلمهٔ «الشهید» در متن فارسی نیست؛ اما چون متن داستان به حکایت بیان خاطرات بعد از شهادت ابراهیم می‌پردازد، این کلمه را اضافه کرده است.

یکی از بچه‌ها را روی کول خود گذاشت و تا نزدیک آبشار دوقلو بالا برد (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۳۰). «حمل أحد الشباب علی ظهره و نقله إلی شلال «دوقلو» (مرکز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۴۸).

شرح: «أی التوأم».

«آبشار دوقلو» جزء فرهنگ بوم‌شناسی و محیط زیست است. کلمهٔ «گذاشت» را «حمل» ترجمه کرده است و کلمهٔ «دوقلو» را چون اسم خاص است، انتقال داده است و سپس برای اینکه مخاطب عرب‌زبان متوجه معنی دوقلو شود، معادل آن را به‌عنوان شرحی برای خواننده آورده است. این روش به درک بهتر متن کمک کرده است.

۱۴. روش گرته‌برداری (ترجمهٔ قرضی)

«ازلحاظِ نظری مترجم نباید مبدع یک ترجمهٔ قرضی شود و فقط نقش گرته‌برداری را ایفا کند. بیشترین گرته‌برداری در ترجمه از اسامی سازمان‌های بین‌المللی است که شامل واژه‌های جهان‌شمول است، مانند: مجلس التعاون لدول الخلیج العربیة: شورای

همکاری کشورهای عرب خلیج فارس» (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷، ص۱۰۴).

«در حقیقت گرته‌بـرداری نوع خـاصی از وام‌گیری اسـت که ازطریـقِ آن یک زبان اصطلاحی را از زبان دیگر وام می‌گیرد؛ اما سـپس عناصـر آن را به‌طور تحت‌اللفظی ترجمه می‌کند» (هتیم و ماندی، ۱۳۹۳، ص۲۴۷).

«نوع خاصی از وام‌گیری است که لغات یا سـاختار زبان مبدأ به‌صورت تحت‌اللفظی ترجمه می‌شـود. وینی و داربلنه بر این باورند که هم وام‌گیری و هم ترجمهٔ قرضی، گاهی به‌طور کامل در زبان مقصد منطبق می‌شـوند و نباید مترجم به‌عنوان یک مبدأ عمل کند؛ بلکه باید فقط نقش گرته‌بـردار را بازی کنـد» (شـادمان و میرزا خانی، ۱۳۹۸، ص۱۸۰).

برای فرایند گرته‌برداری، هشت مورد شناسایی شد که چند نمونه از آن ذکر می‌شود.

هر هفتـه در هیئت جوانان وحدت اسلامی به‌همراه شـهید عبدالله مسـگر حضور داشـت و مداحی می‌کرد (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۱۵۹). «كان يشارك كل أسبوع مع «عبدالله مسكر» في لجنة شباب الوحدة الإسلامية ويقرأ مجلس عزاء» (مركز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۲۰۵).

«هیئت جوانان وحدت اسلامی» جزء سازمان‌ها، نهادها، آداب و رسوم، فعالیت‌ها، جریانات سیاسی و مفاهیم به شمار می‌آید. مترجم از روش گرته‌برداری به‌درستی استفاده کرده است.

من با تیم ملی والیبال به مسابقات جهانی رفته بودم (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۷۰). «لأنّني كنت قد شاركتُ مع المنتخب الوطني في مباريات عالمية» (مركز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۹۹).

این عبارت جزء فرهنگ اجتماعی کار و اوقات فراغت است؛ زیرا دربارهٔ بازی‌ها در آن صحبت می‌کند. «تیم ملی والیبال و مسابقات جهانی» عباراتی هستند که مترجم برای ترجمهٔ آن‌ها از روش گرته‌برداری به‌خوبی استفاده کرده است؛ اما کلمهٔ «والیبال» را ترجمه نکرده است و این حذف نقص ترجمه به شمار می‌آید.

فردا با ابراهیم بروید سـازمان تربیت بدنی (عمادی و همکاران، ۱۳۹۶، ص۵۶). «في الغد أذهب مع إبراهيم إلى منظمة التربية البدنية» (مركز المعارف للترجمة، ۲۰۲۱م، ص۸۲).

این عبارت جزء فرهنگ سـازمان‌ها، نهادها و آداب و رسـوم، فعالیت‌هـا، جریانات سیاسی و مفاهیم به حساب می‌آید. مترجم برای ترجمهٔ «سازمان تربیت بدنی» از روش گرته‌برداری به‌درستی استفاده کرده است.

❁ نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان می‌دهد عنصر فرهنگی «سازمان‌ها، آداب و رسوم، فعالیت‌ها، جریانات سیاسی و مفاهیم» پربسامدترین و پرتکرارترین مقولهٔ فرهنگی بوده و بعد از آن «فرهنگ مادی» با (۱۰۷) مورد، در جایگاه دوم قرار دارد. مقولهٔ سوم «اجتماعی» با (۸۱) مورد، در جایگاه سوم؛ مقولهٔ «اشارات، حرکات در حین سخن گفتن و عادات» با (۱۷) مورد، در جایگاه چهارم و نیز «بوم‌شناسی» با سه مورد، در جایگاه پنجم قرار دارد.

از هفده روش معرفی‌شده توسط نیومارک، فقط سیزده روش را مترجم استفاده کرده است و آن به‌دلیل نوع متن کتاب مؤلف است. بررسی‌ها حاکی از آن است که روش معادل فرهنگی با (۲۰۸) مورد، پربسامدترین روش ترجمهٔ مترجم است. بعد از آن، آمار روش‌ها به این صورت است: روش انتقال با (۱۵۲) مورد؛ روش مترادف با چهار مورد؛ روش جبران با پنج مورد؛ روش کاهش و بسط با پنج مورد؛ روش تلفیق با چهار مورد؛ روش معادل کارکردی با (۱۱) مورد؛ روش یادداشت‌ها با پنج مورد؛ روش توصیفی با سه مورد؛ روش بومی‌سازی با نُه مورد؛ روش تغییر یا جایگزینی با شش مورد؛ روش گرته‌برداری با هشت مورد و نیز روش دگرگون‌سازی با پنج مورد. از روش‌هایی دیگری مانند تحلیل محتوا، ترجمهٔ موقت، مورد قبول و... موردی یافت نشد.

استفاده از روش معادل فرهنگی و بعد از آن روش انتقال، نشان از آن دارد که مترجم سعی کرده تا عناصر فرهنگی موجود در کتاب «سلام بر ابراهیم» را به‌صورت کامل منتقل نماید و ترجمه‌ای مخاطب‌محور ارائه دهد تا به جذابیت ترجمهٔ خویش بیفزاید. بررسی‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم تلاش برای رسیدن به یک ترجمهٔ مناسب و قابل‌فهم برای خواننده، مواردی ضعف و ابهام در ترجمه دیده می‌شود. برای مثال در انتقال نام برخی شهرها، موقعیت‌ها، غذاها و... استفاده از روش انتقال موجب ضعف در ترجمه شده است؛ در حالی که مترجم می‌توانست با روش تلفیق این کاستی را برطرف کند و شرح‌ها را طولانی و با جزئیات بیشتری بیان کند. در ترجمه، عبارات و جمله‌هایی بدون دلیل حذف شده‌اند که به‌نوعی نقص و چشم‌پوشی از متن اصلی است و نشان از کم‌توجهی دارد. مترجم در برخی موارد اصطلاحاتی را حذف کرده که معادل فرهنگی آن اصطلاحات در زبان مقصد وجود دارد. به‌طور کلی حذف عبارت‌ها و معادل‌یابی اشتباه، از نقاط ضعف این ترجمه به شمار می‌رود که تصویر نادرست در ذهن خواننده ایجاد کرده است. پیشنهاد می‌شود برای تجدید چاپ در ترجمهٔ این کتاب ارزشمند، بازبینی و ویرایش صورت گیرد تا مقوله‌های فرهنگی دفاع مقدس به‌طور کامل به مخاطبان انتقال یابد.

❁ پی‌نوشت

معرفی کتاب سلام بر ابراهیم

یکی از آثـار پرمخاطـب حوزهٔ دفـاع مقدس کتـاب «سلام بـر ابراهیم» اسـت کـه در قالب زندگی‌نامه‌ای مختصر و (۶۹) خاطره دربارهٔ شـهید بزرگوار و مفقودالاثر «ابراهیم هادی» منتشر شده است. این نوشـتار حاصل بیش از پنجاه مصاحبه از خانواده، یاران و دوسـتان آن شهید است که همگی نگارنده را در گردآوری این مجموعه ارزشمند یاری رسانده‌اند. شهید هادی در یکم اردیبهشت ماه (۱۳۳۶) دیده به جهان گشـود و پس از (۲۵) سـال زندگی پر فراز و نشیـب در عملیات والفجر مقدماتی در منطقهٔ فکه، در تاریخ بیسـت‌ودوم بهمن سـال (۱۳۶۱) هجری شمسـی به درجهٔ رفیع شهادت نائل آمد و همان‌طور که از خداوند می‌خواست، پیکر پاکش در کربلای فکه گمنام ماند.

شـهید هادی به‌واسـطهٔ اخلاق پهلوانی و منش ایمـانی‌اش، مریـدان بسیاری میـان جوانان کشورمان پیدا کرده اسـت. این کتاب ازسوی معارف الاسلامیه به عربی، انگلیسی و فرانسه ترجمه شده اسـت. کتاب «سلام بر ابراهیم» برای نخستین بار ازسوی انتشارات شـهید ابراهیم هادی در سال (۸۸) منتشر شد و تاکنون یکی از آثار پرمخاطب در حوزهٔ دفاع مقدس بوده است. چاپ صد و چهلم و چهارم از جلد اول آن در بازار موجود است. این کتاب با شعری از ابراهیم هادی شروع شده است:

(سلام حضرت ساقی سلام ابراهیم / سلام کرده ز زلفت جواب می‌خواهیم).

❁ فهرست منابع

منابع فارسی

۱. پالامبو، گیزپه (۱۳۹۱)، **اصطلاحات کلیدی در مطالعات ترجمه**، مترجمان: فرزانه فرحزاد و عبدالله کریم‌زاده، تهران: قطره.

۲. رحیمی‌خویگانی، محمد (۱۳۹۶)، «ترجمه عربی مقوله‌های فرهنگی داستان «فارسی شکر است از محمد علی جمال زاده بر اساس نظریهٔ نیومارک»، **پژوهش‌های ترجمه در زبان وادبیات عربی**، سال ۷، شمارهٔ ۱۷، ص ۱۲۵ تا ۱۴۷.

۳. روشنفکر، کبری، احمد نظری منظم، احمد حیدری (۱۳۹۲)، «چالش‌های ترجمه‌پذیری عناصر فرهنگی در رمان «اللص الکلاب» نجیب محفوظ؛ مقایسه دو ترجمه با تکیه بر چهارچوب نظری نیومارک»، **پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی**، شمارهٔ ۸، سال ۳، ص۱۳-۳۴.

۴. شادمان، یسرا، مریم میرزا خانی (۱۳۹۸)، «چالش‌های برگردان عناصر فرهنگی نمایشنامه با تکیه بر نظریهٔ نیومارک»، **پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی**، سال ۹، شمارهٔ ۲۱، ص ۱۷۵-۲۰۲.

۵. صدراللهی، محمد مهدی (۱۳۹۹)، بررسی ترجمه مقوله‌ها و عناصر فرهنگی کتاب «پایی که جا ماند» با تکیه بر مقوله‌های پنج‌گانه نیومارک و با استناد بر پانزده روش نظری وی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان.

۶. ضیغمی، علی و دیگران (۱۳۹۹)، «ارزیابی ترجمه استعاره‌های قرآن در موضوع قیامت بر اساس نظریهٔ نیورمارک (نیمه نخست قرآن)» **دو فصلنامه جستارهای ادب عربی**، سال دوم، شمارهٔ سوم، ص۱-۲۸.

۷. طبیبیان، سید حمید (۱۳۷۸)، **فرهنگ فرزان فارسی ـ عربی**، تهران: فرزان روز.

۸. عرب، مریم (۱۳۹۸)، تحلیل عناصر فرهنگی نیومارک در ترجمه رمان «قلب اللیل» اثر نجیب محفوظ با تکیه بر مقوله‌های پنج‌گانه نیومارک و با استناد بر پانزده روش نظری وی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان.

۹. عمادی و همکاران (۱۳۹۶)، **سلام بر ابراهیم**، گروه فرهنگی شهید ابراهیم، تهران: نشر شهید ابراهیم هادی.

۱۰. کیادربندسری، فاطمه، حامد صدقی (۱۳۹۶)، «چگونگی ترجمه‌پذیری عنصر فرهنگی نهادها، آداب ورسوم، جریانات و مفاهیم در ترجمه‌های عربی به فارسی با تکیه بر چهارچوب نظری نیومارک»، **مجلهٔ ادب عربی**، سال ۹، شمارهٔ ۲، ص۱۹۹-۲۱۶.

۱۱. مدنی، اکرم، جواد اصغری (۱۴۰۰)، «کاربست نظریهٔ نیورمارک در انتقال واحد فرهنگ در ترجمه رمان عربی»، **پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی**، سال یازدهم، شمارهٔ ۲۵، ص۱۴۹-۱۷۷.

۱۲. معروف، یحیی (۱۳۸۴)، **فن ترجمه (اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و فارسی به عربی)**،

تهران: سمت.
۱۳. ناظمیان، رضا (۱۳۸۸)، **فن ترجمه (عربی ـ فارسی)**، تهران: دانشگاه پیام نور.
۱۴. نصیری، حافظ (۱۳۹۰)، **روش ارزیابی و سنجش کیفی متون ترجمه شده از عربی به فارسی**، تهران: سمت.
۱۵. نیازی، شهریار و قاسمی اصل، زینب (۱۳۹۷)، **الگوهای ارزیابی ترجمه با تکیه بر زبان عربی ویژه دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری مطالعات ترجمه عربی**، دانشگاه تهران.
۱۶. نیومارک، پیتر (۱۳۷۲)، **دوره آموزش فنون ترجمه**، مترجمان: منصور فهیم و سعید سبزیان، تهران: رهنما.
۱۷. هاشمی میناباد، حسن (۱۳۹۸)، **گفتارهای نظری و تجربی در ترجمه**، تهران: بهار.
۱۸. هتیم، بزیل و ماندی، جرمی (۱۳۹۳)، **مرجعی پیشرفته برای ترجمه**، مترجم: مریم جابر، تهران: سمت.

منابع عربی

۱۹. بوشریط، جوهرة (۲۰۲۲ م)، «الترجمة والثقافة عند بيترنيومارك ويوجين نايدا وهانز فيرمير»، **مجلة كفاية اللغة والادب**، المجلد ۰۲، العدد ۲، ص ۳۸-۵۱.
۲۰. تمام، قطاف عبدالكريم (۲۰۰۵ م)، **إشكالية نقل الخصوصيات الثقافية، رسالة ماجسترفي الترجمة**، الجزائر، جامعة منتوري.
۲۱. الحداد، سليمى (۲۰۰۶ م)، «لماذا يعزف المترجمون عن ترجمة الشعر»، **مجلة جامعة دمشق**، العدد ۳ و ۴.
۲۲. عنانی، محمد (۲۰۰۴ م)، **فن الترجمة**، الطبعة الثانية، لبنان: مكتبة لبنان ناشرون.
۲۳. الكفری، مصطفى عبدالله (۲۰۰۸ م)، «الترجمة أحد أهمّ أدوات التّواصل بين الشعوب»، **جريدة الاسبوع الأدبی**، العدد ۱۱۳۰، سوريا.
۲۴. مركز المعارف للترجمة (۲۰۲۱ م)، **سلام علی إبراهيم**، الطبعة الأولی، بيروت: دارالحضارة الإسلامية.
۲۵. نيومارک، پيتر (۲۰۰۶ م)، **الجامع فی الترجمة**، ترجمة حسن غزالة، الطبعة الأولی، بيروت: دار مكتبة الهلال.

منابع انگلیسی

26. Newmark, peter, (1988), A Textbook of Translation, first published, Prentice Hall: New York.